

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

پیاده سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش نهایی

### آغاز حرکت امام حسین علیه السلام به سوی مکه (۲۸ رجب ۶۰ هجری)

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ؛ إِنَّهُ خَيْرُ نَاصِرٍ وَ مُعِينٍ؛ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى

سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

بنا به نقل تاریخ، روز بیست و هشتم رجب، روزی است که ابا عبدالله الحسین علیه السلام بعد از فشارهایی که در مدینه بر ایشان وارد آمد، برای این که با یزید بیعت کنند و بیعت با یزید بن معاویه را بپذیرند؛ و حضرت از پذیرش بیعت امتناع کردند، از مدینه به سمت مکه حرکت کردند. بعد از وداعی که شبانه، در کنار مرقد مطهر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در مسجد النبی، با ایشان کردند؛ و بعد از آن حالت مکاشفه یا رؤیایی که نقل شده است به حضرت دست داد و رسول خدا را دیدند؛ که پیامبر به آن حضرت فرمودند: «يا حُسَيْنُ اُخْرُجْ اِلَى الْعِرَاقِ فَاِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ اَنْ يَرَاكَ قَتِيلاً»<sup>۱</sup> ای پسر! ای حسین من! خروج کن، قیام کن، از مدینه به سمت عراق بیرون برو؛ که مشیت خدای متعال به این تعلق گرفته است که تو را شهید در راه خودش ببیند. بعد پیام دوم آمد که: ای حسین! اهل بیت خودت را هم در این سفر با خود ببر؛ چرا که «اِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ اَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا» خدای متعال می خواهد؛ اراده کرده است؛ دوست می دارد که اهل بیت تو را هم در حالت اسیری ببیند. و این روح تسلیم بزرگ تاریخ، این فرزند به حق ابراهیم خلیل، تسلیم محض این فرمان رفتن به سوی قربانگاه و این دستور به همراه بردن اهل بیت برای اسارت را از صمیم جان پذیرا شد. در همچون امروزی، ابا عبدالله الحسین علیه السلام از مدینه به سمت مکه حرکت کردند. این قافله‌ای که امروز با چه

<sup>۱</sup> سید بن طاووس، لهوف، ص ۶۵ و بحرانی، عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۲۱۴.

شکوهی از مدینه حرکت می‌کند؛ و مدتی بعد با چه حالت انکساری دوباره به مدینه برمی‌گردد! از امروز ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام دل‌های دل‌دادگان خود را همراه خود می‌برند. و ما هم به محضر ابا عبدالله علیه‌السلام دست نیاز دراز کنیم؛ و از آن حضرت بخواهیم که یا ابا عبدالله! ما را هم همراه قافله‌ی خود ببر. ما نمی‌خواهیم از غایبین باشیم؛ از کسانی باشیم که با توجیّهات مختلف، رفاه و راحت و آسایش و سلامت را بر جان‌بازی در رکاب تو ترجیح دادند. ما را هم از یاران خودت بپذیر و در قافله‌ی خود جای بده. نگذار ما از کسانی باشیم که یا به بهای یک من جو، در لشکر عمر سعد قرار گرفتند و به روی شما شمشیر کشیدند؛ یا با وعده‌ی امارت ری، فرماندهی لشکر تهاجم علیه شما را به دست گرفتند. و یا این‌که با توجیه‌های به ظاهر شرعی، خود را از حضور در رکاب شما کنار کشیدند؛ و شما را در صحنه‌ی کربلا تنها گذاشتند؛ در شرایطی که امکان آمدن و یاری شما را کاملاً داشتند. یا سر خودشان را به شئون دنیوی گرم کردند؛ و یا آن هنگامی که شما را در کربلا قطعه قطعه می‌کردند، با عبادت‌ها و تقدّس‌های تخدیری، مشغول طواف کعبه بودند. نگذار در این مدینه‌ی دنیا باقی بمانیم. ما را همراه خودت به کربلا‌ی عشق ببر. نگذار در عقل ابن عبّاسی اسیر بمانیم. ما را همراه عشق عبّاسی کن.

این قافله، از امروز به راه افتاد. ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام راه اصلی و شاهراه را انتخاب کردند. در بحث‌هایی که خدا توفیق داد، سال‌های قبل، در رابطه با عاشورا خدمت عزیزان داشتیم؛ و سیدی‌های آن خدمت عزیزان هست؛ عرض کردم بر خلاف کسانی که مخفیانه و از بیراهه‌ها گریختند؛ ابا عبدالله علیه‌السلام از شاهراه اصلی از مدینه به سمت مکه خارج شدند. بعد از ورود به مکه، حضرت مدتی را در مکه اقامت کردند؛ پیام نهضت الهی و عرفانی خودشان، نهضت ضدّ ستم و ضدّ فساد، نهضت امر به معروف و نهی از منکر و نهضت اقامه‌ی ارزش‌های بزرگ دین خدا را به همه‌ی کسانی که برای عمره می‌آمدند و بعد کسانی که به عنوان حج، به مکه مُشرف می‌شدند، رساندند. و از این طریق زمینه‌ای را فراهم کردند تا دستگاه حکومت یزید نتواند با به‌کارگیری بوق‌های تبلیغاتی خود و آخوندهای خودفروخته‌ی دنیاطلبی که ابزار ترویج حاکمیت یزید بودند، این‌گونه جلوه دهد که ابا عبدالله علیه‌السلام شورشِ قدرت‌طلبِ خروج‌کرده‌ی بر امیرالمؤمنین، حاکم شرعی اسلامی بود؛ و امیرالمؤمنین علیه‌السلام به حکم خدا و با شمشیر رسول خدا، او را از پا درآورد.

برای این که آنها نتوانند چنین جوّ مسمومی را ایجاد کنند و واقعیت‌ها را واژگونه جلوه دهند؛ این مدّت اقامت ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام در مکه، نقش بسیار جدّی‌یی ایفا کرد. ابا عبدالله علیه‌السلام نیمی از کار را خویش انجام دادند؛ نیم دیگر را بعد از شهادت ابا عبدالله علیه‌السلام، امام سجّاد و زینب کبری سلام‌الله‌علیهم‌با به دوش گرفتند؛ و جلوی خاموش کردن فروغ این نهضت عظیم و مَسخ کردن این قیام خون‌رنگ خدایی را گرفتند.

عاشقان و دل‌دادگان ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام، از امروز تا روز بازگشت قافله‌ی اسرا به مدینه، هر روز ذهن و دلشان به این است که الآن امام حسین علیه‌السلام کجا هستند؟ کجای راه را طی می‌کنند؟ کجا اقامت کردند؟ بر این قافله چه می‌گذرد؟ هر روز که دوست اهل بیت علیهم‌السلام از خواب بیدار می‌شود، دلش هوای مولای خودش را می‌کند و همراه این قافله است. امیدواریم که ابا عبدالله علیه‌السلام ما را هم در قافله‌ی خودشان پذیرا باشند و دل ما را هم بپذیرند. و ما این سفر چند ماهه را، از امروز کنار ابا عبدالله علیه‌السلام شروع کنیم؛ تا روزی که همراه امام سجّاد و امام باقر علیهما‌السلام، و همراه زینب کبری و دیگر اُسرای دشت کربلا سلام‌الله‌علیهم‌أجمعین، به مدینه باز گردیم.

«وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ»

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَلْ فَرَجَهُمْ»